

تحلیل ابعاد امنیت دولت در ایران قرن بیست و یکم

سیدشمس‌الدین صادقی^۱

مسعود نادری^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۵ - تاریخ تصویب: ۹۵/۰۳/۲۹)

چکیده

پس از جنگ دوم جهانی، آن‌چه که مولد امنیت تلقی می‌شد، وجود ظرفیت بالای نظامی بود. با فروپاشی شوروی سطوح گوناگونی از امنیت ظهور یافتند که دیگر مطالعات امنیتی را تنها به بعد نظامی تقلیل نمی‌دادند. امروزه موضوعات متعدد امنیت در جهان معاصر جایگاه قابل توجهی را دارا هستند و در طول سال‌های اخیر به شکل قابل توجهی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. برای فهم موضوع امنیت و اقدام در جهت تامین آن باید نگاه متکثری به امنیت داشت؛ که این مهم با تمرکز همه جانبه بر جوانب متکثر امنیتی میسر می‌شود. از همین‌رو هدف این پژوهش، پردازش مهم‌ترین چالش‌های امنیتی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱ است. هم‌چنین روش تحقیق در پژوهش حاضر، بر اساس پارادیم اثباتی و رویکردی تبیینی-تحلیلی مکتب کپنهاگ و دید موسع آن بوده و از این طریق به ارزیابی این چالش‌ها و نحوه اثرگذاری آنها پرداخته است. یافته‌های موجود نشان از آن دارد، که جمهوری اسلامی ایران در عصر کنونی با انواعی از چالش‌های امنیتی در ابعاد مختلف

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول) (sh.sadeghi1971@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه رازی کرمانشاه (masoudnadery@yahoo.com)

نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی مواجه است که حل آنها، نیازمند راهکارهای عاجلی توسط دولت‌مردان و سیاستگذاران است. کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، مکتب کپنهاگ، چالش‌های امنیتی، قرن



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

ارائه‌ی تعریفی جامع از امنیت همواره از دغدغه‌های اندیشمندان سیاسی محسوب می‌شود. امنیت به سبب ابهام در خود کلمه، می‌تواند موضوعات گوناگونی را در بر گیرد. در کشور ایران نیز به مانند تمامی کشورها، امنیت از ابعاد گوناگونی تشکیل شده است. به همین خاطر گفته می‌شود که حوزه‌های تهدید بسیار گوناگون خواهند بود. بسیاری از نظریه پردازان معتقدند که تهدید و امنیت رابطه دو سویه‌ای با هم دارند؛ بدین معنا که امنیت مساوی است با فقدان تهدید و خود تهدید در شرایط عدم امنیت شکل می‌گیرد. اما اگر بخواهیم کشورها را در این حوزه مورد بحث قرار دهیم، باید توجه داشته باشیم که تامین امنیت هر کشور در بعد داخلی و خارجی، از اصلی‌ترین وظایف دولت‌ها محسوب می‌گردد و بدون شک هر کشوری به منظور تامین منافع ملی به دنبال بالاترین درجه‌ی امنیت برای خود است. وجود ویژگی‌های متعددی که برای امنیت ذکر می‌شود بر گستره‌ی پیچیدگی آن می‌افزاید. علاوه بر چند وجهی بودن امنیت و نسبی بودن این مفهوم، باید توجه داشت که معنای امنیت در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون متفاوت است. شاید روزی کشور عراق دشمن درجه یک و بزرگ‌ترین تهدید علیه منافع وجودی جمهوری اسلامی ایران قلمداد شود؛ اما چند سال بعد عراق، عنوان کشور دوست و همسایه را یدک بکشد. همین پیچیدگی‌ها منجر به آن می‌شود که نتوان تنها از یک نوع تهدید صحبت کرد. هم‌چنین با توجه به تغییرات متنوع در عصر جهانی‌شدن که عصر تغییر و دگرگونی می‌باشد؛ این امکان وجود دارد که موارد و موضوعاتی که امروزه امری عادی و طبیعی تلقی می‌شوند در آینده‌ای نه چندان دور، در حوزه‌ی موارد امنیتی وارد شوند و گسست امنیتی تلقی گردند، که شناخت دقیق آن‌ها برای دستیابی به اهداف ملی و بین‌المللی بسیار دشوار است. با این حال، تا اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ موضوعات (سخت/ سنتی) نظامی کانون مباحث امنیتی به شمار



می‌رفت؛ به عبارتی نگرش تقلیل‌گرایانه به امنیت حاکم بود و امنیت در توانایی‌های نظامی و برقراری صلح پس از جنگ و در چارچوب امنیت سرزمینی از تجاوز خارجی، حفظ استقلال ملی یا امنیت از جنگ هسته‌ای جهانی جستجو می‌شد. تحولات چشم‌گیر پس از جنگ سرد، در تغییر محیط امنیتی تاثیر به‌سزایی داشته است. به‌گونه‌ای که تهدیدات، تعریف و مصادیق تازه‌ای یافته‌اند و نگرش سنتی - به‌ویژه تهدید ناشی از رقابت دو ابرقدرت - به‌شدت مورد چالش واقع شده است. البته این به آن معنا نیست که جهان نسبت به دوره جنگ سرد، امن‌تر و مطمئن‌تر گشته است؛ چرا که هنوز هم کاربرد زور از سوی دولت‌ها برای رسیدن به اهدافشان وجود دارد. افزون بر آن، طیف جدیدی از تهدیدات غیر نظامی نیز پدید آمده است (تریف و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۴۱)؛ به‌همین جهت پژوهشگران در این پژوهش، مکتب امنیتی کپنهاگ را در پاسخگویی به نیاز اصلی پژوهش مناسب ارزیابی می‌نمایند.

در همین راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است: وجوه مهم امنیتی ایران در قرن بیست‌ویکم کدام‌اند؟ فرضیه حاضر عبارت است از: چنین به‌نظر می‌رسد که به‌دلیل پیچیدگی در جهان معاصر، جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و زیست محیطی با تهدیدات متنوعی مواجه است که ناشی از تکثر در ابعاد امنیت می‌باشد. اما آن‌چه که به پژوهش حاضر ضرورت می‌بخشد شناسایی دسته‌ای از اساسی‌ترین چالش‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱ و سپس بررسی نقش این چالش‌ها بر امنیت ملی کشور ایران می‌باشد، تا بتوان با تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود، به چرایی اهمیت روزافزون آن‌ها و نحوه تأثیرگذاری آن بر امنیت ملی پی برد. از حیث رویکرد روش‌شناسانه در مکتب کپنهاگ، این پژوهش از نوعی روش‌شناسی اثبات‌گرایانه و در چارچوب آمار و داده‌های تحلیلی سود می‌جوید که به غنای بحث و علمی شدن آن یاری می‌رساند. هم‌چنین پژوهشگران سعی بر آن دارند که با بهره‌جویی از منابع کتابخانه‌ای، مقالات دسته اول و داده‌های



متقن، روش منسجمی را در گردآوری داده‌ها پیگیری نمایند. در همین راستا سعی بر آن است تا در چند گفتار به نتایج لازم دست یابیم: ابتدا چارچوب نظری، سپس شاخه‌های متنوع امنیت جمهوری اسلامی ایران بر اساس مکتب کپنهاگ و در نهایت سخن پایانی.

چارچوب نظری

جستجوی امنیت از مهم‌ترین کوشش‌ها و انگیزه‌های انسانی است. این کوشش با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد. حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین میل‌های انسان است. انسان‌ها در پی برآوردن نیازهای زیستی با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند (روشندل، ۱۳۹۲: ۳). امنیت در لغت به معنی عدم تشویش و ترس، آسودگی و اطمینان خاطر است. از سوی دیگر می‌توان امنیت را دور و مصون بودن از خطرات و تهدیداتی که منافع و هنجارهای اساسی یک فرد و یا جامعه را با خطر نابودی مواجه می‌کنند، دانست. از نظر آرنولد و لفرز «معیار امنیت از لحاظ عینی، فقدان تهدید در قبال ارزش‌های اکتسابی است و از لحاظ ذهنی، نبود ترس از این‌که این ارزش‌ها مورد هجوم قرار خواهند گرفت» (یزدانی؛ خدابنده، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۴). امنیت به‌طور سنتی قلمرو استراتژی و قدرت است (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۱۵). لیکن مفهوم اصلی برای ما در این‌جا «امنیت ملی» است. مفهوم امنیت ملی به‌رغم قدمت و کاربرد فزاینده‌اش در ادبیات روابط بین‌الملل، هم‌چنان توسعه نیافته، مبهم، نارسا، ماهیتا جدال برانگیز و متباین و متناقض است (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷). اما چارچوبی که در این‌جا محققین برای تبیین امنیت ملی پذیرفته‌اند مکتب کپنهاگ است.



کپنهاگ، مکتبی است در راستای توجه وسیع به موضوع امنیت با اندیشمندانی هم‌چون مک سوئینی^۱، اولی ویور^۲ و باری بوزان^۳، که در این میان بوزان با کتاب معروف خود یعنی «مردم، دولت‌ها و هراس» از سایرین شناخته شده‌تر می‌باشد. مکتب کپنهاگ چارچوبی است که بیل مک سوئینی بر آثار و نقطه نظرات باری بوزان، اولی ویور و دوویدل و دیگران به کار برده است. این مکتب با توجه به این‌که کاملاً بر مطالعات امنیتی استوار گشته، جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۰).

مطابق گفته بوزان، مکتب کپنهاگ، که در سال ۱۹۸۵ با تلاش برخی از محققان امنیت بین‌الملل هم‌چون باری بوزان و اولی ویور شکل گرفت، در صد بود، بار امنیتی را از دوش مسائل عادی بردارد و با گسترش دامنه مسائل غیر سیاسی - اجتماعی و به‌طور کلی عادی، مانع سوءاستفاده دولت و نظامیان از موقعیت ویژه شود (Bigo, 2002, 63). مسایل مربوط به انرژی، منابع، محیط زیست، جمعیت و استفاده از فضا و دریا اکنون هم‌تراز مسائل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی و رقابت سرزمینی شده‌اند که به‌طور سنتی به دستور کار دیپلماتیک شکل می‌دادند (Moller, 2000, 17).

باری بوزان نیز با تغییر در مؤلفه‌های همیشگی امنیت که همان مؤلفه‌های سخت رئالیست‌ها و مؤلفه‌های نرم لیبرالی است شکلی از امنیت را ارائه می‌دهد که به حاشیه راندن سایر متغیرها را نمی‌پذیرد و معتقد به بازیگری عوامل پنج‌گانه است. بوزان در نهایت معتقد است: «جمع‌های انسانی را عوامل پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تحت تأثیر قرار می‌دهد و



1. Bill Mc Sweeney
2. Ole Waver
3. Barry Buzan

با هر نوع تهدید (نظامی، سیاسی و جز آن) باید مقابله کرد» (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۹).

به‌طور کلی محورهای اساسی مکتب کپنهاگ عبارت‌اند از:

۱- مطرح شدن امنیت به‌عنوان مفهومی بین‌ذهنی؛

۲- دولت به‌عنوان مرجع امنیت؛

۳- امنیتی و غیر امنیتی ساختن موضوعات؛

۴- امنیت ملی به‌عنوان مرکز ثقل امنیت (عبدالله‌خانی، ۱۳۶: ۱۳۸۳).

۵- موسع بودن امنیت و ابعاد پنج‌گانه آن.

دلیل انتخاب مکتب کپنهاگ به‌عنوان چارچوب این پژوهش از آن‌رو است که این مکتب به‌واسطه دید امنیتی خود به مسائل، زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا گفتمان‌های متعدد امنیتی را در آن به بحث نشست. هم‌چنین باید توجه داشت که در عصر جهانی‌شدن، متعاقب پیچیدگی در تهدیدات، سطوح گوناگون امنیت نیز پیچیده گردیده و به‌نظر محققین این مکتب توانایی پوشش این سطوح گوناگون را به‌خوبی دارا می‌باشد.

۱. امنیت نظامی

به‌عقیده بوزان تهدیدات نظامی هنوز هم در تفکر امنیتی دارای برتری نظری هستند و تا زمانی که سیاست بین‌المللی با ساختار آنارشی همراه است، اهمیت حیاتی آن‌ها تداوم خواهد داشت؛ اما در عمل و به‌خصوص برای کشورهای بسیار توسعه یافته نظام موجود، میزان اهمیت آن‌ها در مقابله با تهدید سایر جنبه‌ها در حال کاهش است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۹-۱۵۸).

جمهوری اسلامی ایران نیز در افق پیش‌روی خود (۱۴۰۴) از یک‌سو مبنای توسعه‌محور اتخاذ کرده و از سوی دیگر با عطف به ماهیت نظام، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی با تهدیداتی از ناحیه ابرقدرت‌ها مواجه بوده است؛ از جمله جنگ تحمیلی و در دهه‌ی اخیر، پیشرفت‌های ایران در مسیر دست‌یازیدن به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، مطرح کردن ایران به‌مثابه حامی تروریسم



و غیره، همواره بهانه‌هایی برای به تهدید انداختن امنیت کشور بوده است؛ به گونه‌ای که کشورهای عراق و افغانستان در آستانه‌ی قرن بیست و یکم مورد اشغال واقع شده و در پیرامون ایران، دولت آمریکا و هم‌پیمانانش با ترسیم چهره‌ای تهدیدآمیز و خشونت‌طلب از ایران به استقرار پایگاه‌های نظامی در کشورهای همسایه پرداخته و عملاً امنیت ملی ایران را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸). نه تنها در ایران بلکه در تمامی جهان تهدیدات نظامی همواره کشورها را تهدید می‌کند؛ اما تهدیدات نظامی جدید ماهیتی تروریستی پیدا کرده‌اند. بدین معنا که گروه‌های تروریستی در کنار جنگ‌های کلاسیک، نوعی از نظامی‌گری نامتقارن را پرورش می‌دهند که نمی‌توان هیچ زمان و مکان و یا استراتژی خاصی برای آنها قائل بود.

۱-۱. گروه‌های تروریستی^۱

ترور به معنی دهشت افکنی، کشتن ناگهانی و غافل‌کشی می‌باشد؛ در اصطلاح هرگونه عملکرد یا تهدید برای ترساندن، آسیب رساندن به شهروندان، حکومت یا شخصیت‌های سیاسی گفته می‌شود. اندیشمندی به نام پل ویلکینسون تروریسم را راه‌حل رسیدن به هدف از طریق خشونت افراطی، می‌داند (Wilkinson, 1978, 51-56). برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های تروریسم را می‌توان به صورت ذیل بیان نمود:

- ۱- ایجاد ترس و وحشت؛
- ۲- طبیعت کورکورانه‌ی ترور، بدین معنا که همه در معرض خطر آن قرار خواهند گرفت و شخص خاصی، مرد یا زن ندارد؛
- ۳- غافلگیرکننده بودن و پنهان بودن ترور؛



۴- دارا بودن اهداف سیاسی؛

۵- سازمان یافتگی؛

۶- خشونت؛

۷- مشارکت کم (حاتمی، ۱۳۹۰: ۴۵-۲۵).

ویژگی‌های نام برده را می‌توان به‌صورت بارزی در گروه‌های تروریستی از قبیل القاعده، داعش، طالبان، پ، ک، ک و غیره دید. گروه‌های تندروی تکفیری آرزوی روزی را در سر می‌پروراند که بتوانند به یک خلافت گسترده‌ی اسلامی دست پیدا کنند، که در آن هیچ جایی برای شیعیان وجود نداشته باشد. چرا که این گروه‌ها شیعیان را دشمن اصلی خود می‌پندارند و به‌همین دلیل هم هست آیت‌الله سیستانی مرجع عالی‌قدر شیعه برای مبارزه با تروریست‌های «داعش»^۱ اعلام جهاد کرد.

امروزه سنی‌ها ۹۰ درصد جمعیت مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند؛ اما شیعیان که از نظر تعداد کمتر می‌باشند با پشتیبانی ایران که بیشترین جمعیت آن شیعه هستند و هم‌چنین داشتن منابعی از قبیل نفت و اتکای این مناطق به درآمدهای نفتی توانسته‌اند قدرت بیشتری کسب کنند؛ پس محور قدرت ایران می‌باشد که به‌ویژه با انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام دینی جدید گروه‌های تکفیری در کنار مخالفان ایران هم‌چون غرب و به‌خصوص آمریکا قرار گرفتند؛ این در حالی بود که به‌رغم برخی کمک‌ها به این گروه‌ها، جای کمی را برای گروه‌های تکفیری در جغرافیای مدنظر خود قرار داده بودند (هفته‌نامه آمریکا پژوهی افق، ۱۳۹۳: ۹-۸). اکنون گروه‌های تروریستی (به‌خصوص گروهک تروریستی داعش) به‌طور گسترده در کشورهای عراق و سوریه به فعالیت پرداخته‌اند. در سوریه به‌دنبال از بین بردن قدرت بشار اسد می‌باشند، این در



صورتی است که شیعیان هم‌سو با ایران، رژیم بشار اسد را قانونی و مشروع می‌دانند و از آن دفاع می‌کنند، لذا در این وضعیت سوریه محلی برای تجمع جهادگران و شبیه به افغانستان شده است. طبق گزارش‌ها، این روزها حدود ۱۲ هزار تروریست خارجی در سوریه مشغول کشتار هستند و این گروه‌های تروریستی به دنبال گسترش مرزهای خلافت خود و تحقق رویای خود می‌باشند و به همین جهت از سوریه به عراق نقل مکان کرده‌اند که در این میان حمایت و کمک‌های برخی مخالفان شیعیان از قبیل غرب، به‌ویژه آمریکا و همچنین عربستان، عاملی برای تقویت آنان می‌باشد. برای مثال عربستان گروه‌های «جبهه النصر» و «القاعده^۱ پاکستان» را از نظر مالی و نظامی تقویت و آن‌ها را به سوریه اعزام کرد. این مسائل برای ایران، به‌عنوان مرکز قدرت شیعیان، می‌تواند خطرات زیادی را در پی داشته باشد (هفته‌نامه آمریکا پژوهی افق، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۰).

از گروهک‌های تروریستی دیگری که خطر آن متوجه امنیت ایران می‌باشد، می‌توان به گروهک تروریستی پ.ک.ک اشاره کرد که در سال ۱۹۷۴ توسط عبدالله اوچلان شکل گرفت و دارای تفکرات جدایی طلبانه‌ی مارکسیسم و لنینیسم بود، هدف سیاسی این گروه تشکیل کردستان بزرگ و سوسیالیست از کردهای شمال عراق، جنوب ترکیه، شمال شرقی سوریه و شمال غربی ایران است و در زیر مجموعه سازمان‌های جدایی طلب قرار می‌گیرد. شیوه‌های مبارزاتی این گروه کمین و حمله‌ی غافلگیرانه، خرابکاری و شورش، آدم‌ربایی، ترور، اعتراض و تظاهرات علیه دولت ترکیه است که هرگونه اقداماتی در مناطق نام برده از سوی این گروه منجر به تهدیدپذیر کردن امنیت ایران می‌شود (دلورپورمقدم، ۱۷۴: ۱۳۸۹). هم‌چنین می‌توان به گروهک تروریستی پژاک

اشاره کرد که مرزهای شمال غرب ایران را ناامن نموده است، گروهک تروریستی پژاک در سال ۲۰۰۳ و تحت تاثیر گروهک پ.ک.ک به وجود آمد و تنها سازمانی است که در سده‌های گذشته مبارزات نظامی زیادی را علیه رژیم ایران سازماندهی کرده است. این گروهک در شمال عراق می‌باشد و با حکومت‌های کرد منطقه رابطه دارد. گرچه از این درگیری‌های شدید با اعلام آتش‌بس در سال ۲۰۱۱ کاسته شد (Temanotat, 2013, 1-2). از دیگر تهدیدات گروهک‌های تروریستی می‌توان به کارگیری آن‌ها توسط مخالفان جمهوری اسلامی را بیان کرد. برای مثال یکی از تدابیر آمریکا برای جمع‌آوری اطلاعات از محیط داخلی، بهره‌گیری از گروهک‌های داخلی و ضد انقلابی است. مثلاً افزایش فشار دولت عراق به اردوگاه اشرف که واشنگتن در پی تاسیس مقر جدیدی برای آن‌ها در دومین حلقه‌ی امنیتی ایران، مانند اردن، مصر، یمن یا امارات می‌باشد. هم‌چنین می‌توان به ادعاهای دروغین گروهک‌های مختلف در خصوص برنامه‌ی هسته‌ای ایران در جهت تاسیسات نظامی اشاره نمود (دلاورپورمقدم، ۱۳۸۹: ۹۱-۹۹).

۲. امنیت سیاسی

تهدیدات سیاسی به مشروعیت داخلی واحد سیاسی که عمدتاً به ایدئولوژی‌ها و دیگر اندیشه‌های سازنده و موضوعات تعریف‌کننده‌ی دولت و شناسایی دولت از سوی جهان خارج و مشروعیت خارجی، باز می‌گردد. تهدیدهای خارجی لزوماً متوجه حاکمیت نیستند؛ بلکه می‌توانند مشروعیت ایدئولوژیک - یعنی ستون داخلی آن‌را نشان‌دهنده رونق (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از ثبات سازمانی و ساختاری کشور، نظام حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به دولت و نظام حکومتی آن. از این‌رو امنیت سیاسی دارای وجوه و سطوح مختلفی است. بعضی از وجوه و جوانب آن در سطح ملی ناظر به رابطه‌ی میان دولت و ملت



است. بنابراین هر عاملی که در اثر سلب رضایت مردم از حکومت، موجب شکاف بین دولت و ملت شود، تهدید امنیتی به‌شمار می‌رود. هم‌چنین وجود تهدیدات علیه ساختارها و نهادهای سیاسی نیز بیانگر فقدان امنیت سیاسی است. وجوه دیگری از امنیت سیاسی در سطح بین‌المللی معطوف و مربوط به روابط و تعاملات بین‌المللی است. به‌طور کلی در سطح بین‌المللی اعم از منطقه‌ای و جهانی، سه متغیر نظام سیاسی رایج، ایدئولوژی سیاسی غالب و نظم سیاسی حاکم بر نظام بین‌الملل می‌تواند امنیت سیاسی ایران را تهدید کند (ابوالفتحی، نوری، ۱۳۹۲: ۱۶). البته در میان تهدیدات نوظهور در نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توان از دو نوع تهدید صحبت به‌میان آورد؛ تروریسم سایبری و موضوع حقوق بشر. مکانیزم عمل تروریسم سایبری با وارد آوردن خسارات سیستمی و هم‌چنین سرقت اطلاعات معنا می‌یابد. اما وجه امنیتی حقوق بشر و گنجاندن آن در تهدیدات امنیتی سیاسی، بدین‌خاطر است که موجبات فشار سیاسی بر ساختارهای حکومتی کشور از منظر بین‌المللی را فراهم آورده است.

۱-۲. تروریسم سایبری^۱

تروریسم سایبری یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی دولت در سال‌های اخیر بوده است، به‌همین جهت امنیت سیستم‌های رایانه‌ای در حفظ امنیت کشور بسیار اهمیت دارد. با توجه به اینکه مرجع امنیت، دولت و حاکمیت می‌باشد، هدف نهایی تروریسم سایبری هم دستیابی به برخی اطلاعات دولت و حاکمیت و اختلال در ساختارها و زیربنای آن می‌باشد. ترور به‌معنای ترساندن و تهدید و ایجاد ترس می‌باشد، تروریسم سایبری نیز چنین هدفی را در فضای مجازی دنبال می‌کند و اولین بار در ۱۹۸۰ از سوی «کالین باری»^۲ بیان شد. سایبر



1. Cyber Terrorism
2. Colin Bari

تروریسم با استفاده از تغییرات در فضای مجازی به دنبال تغییرات اساسی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دنیای واقعی می‌باشد. (Gordon & Ford, 2003, 8) این مهم دارای ابعاد داخلی و بین‌المللی می‌باشد که با استفاده از اینترنت به دنبال نابودسازی و وارد کردن آسیب‌های برگشت‌ناپذیری بر ساختارهای زیربنایی یک جامعه، مانند فعالیت‌های دولتی، انرژی، حمل‌ونقل می‌باشد و پیکره و ستون‌های اقتصادی، اطلاعاتی، ارتباطی دولت‌ها را دچار اختلال کند (حسینی، ۱۳۷۹: ۷).

سایبر تروریسم ویژگی‌هایی چون بی‌حدومرز بودن، پرسرعت بودن، تجهیزات زیاد و ارزان و دسترسی فوری را دارا می‌باشد که باعث شده است بسیاری از بزهکاران را به فضای ترور و سایبر بکشاند. بنابراین سایبر تروریسم با توجه به اینکه به معنای حمله و تهدید علیه رایانه‌ها و شبکه‌های حاوی اطلاعات می‌باشد؛ در پی اهدافی چون ایجاد ترس در دولت و اتباع آن می‌باشند. این امر در جهت دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی اعمال می‌شود. در عرصه‌ی کنونی، شرایط امنیت کامل و پایدار، در مقابل شکل‌گیری هرگونه فضای ناامنی، مناسبات داخلی و خارجی دولت‌ها را با هم آمیخته است. هم‌چنین باید توجه داشت که جهان غرب، زمینه‌های فشار بر کشورهای مخالف با خود را، در دسترس دارد که از مهم‌ترین آن‌ها تروریسم سایبری است (ایزدی، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۱). رایج‌ترین روش‌های سایبر تروریسم عبارتند از: هک کردن، شیوع ویروس‌های رایانه‌ای، دزدی و یا تخریب اطلاعات و... می‌باشد. این تهدید که معمولاً در شکلی کلان صورت می‌گیرد در برخی موارد با ریشه‌های سیاسی و نشأت گرفته از مخاصمات بین‌المللی ایجاد شده و هدف‌گذاری خود را سیستم‌های امنیتی و حفاظتی و دستگاه‌ها و تکنولوژی‌های دارای طبقه‌بندی حفاظتی قرار می‌دهد و به‌نوعی به دنبال جلوگیری از تولید و پیشرفت ساختارهای تکنولوژیکی یا ضربه به مراکز حساس و دارای اهمیت امنیتی است و از این‌رو محیط تهدید آفرین علیه امنیت ملی کشورها را دیگر نمی‌توان فقط در محدوده‌ی جهان واقعی ترسیم کرد. برای



مثال در جنگ سرد میان آمریکا و شوروی، آمریکا از طریق دستکاری نرم افزارهای کنترل گاز روسیه منجر به انفجار لوله‌های گاز آن کشور شد و یا در جنگ آلمان با بریتانیا و آمریکا، آمریکا به فلج کردن زیرساخت‌های صنعتی آلمان از طریق تروریسم سایبری پرداخت (Lewis, 2002, 3). از موارد دیگر در تروریسم سایبری، اقدام آمریکا علیه چین می‌باشد که در برخورد یک هواپیمایی جاسوسی آمریکا و یک هواپیمای جنگنده چین در ۲۰۰۱ باعث اقدام به حملات سایبری توسط دو طرف شد که گروه‌های هکر آمریکایی به نام *Opizox box* بیش از ۱۰۰ وب سایت چین را مخدوش کردند).

(Prichard & E. Macdonald, 2004, 4)

می‌توان از دیگر اقدامات آمریکا، تصویب قانون قربانیان سانسور در ایران، را در سال ۲۰۰۹ با مبلغ ۵۵ میلیون دلار و هدف شکستن فضای فیلترینگ^۱ و گسترش فضای اطلاع‌رسانی در ایران را بیان نمود. از موارد دیگر اقدامات آمریکا در خصوص تهدیدات سایبری در زمان ریاست جمهوری جرج بوش و ایجاد شبکه‌ی ایران پراکسی است که ماموریت‌هایی هم‌چون تخلیه‌ی بانک‌های اطلاعاتی کشور، شکستن فیلترینگ، ایجاد محیطی امن برای پیاده‌نظام‌های ناتوی فرهنگی بود (دلاورپورمقدم، ۱۳۸۹: ۶۳-۴۵). حملات سایبری به ایران، کماکان زیرساخت‌های صنعتی و دولتی ما را تهدید می‌کند. در این زمینه ما شاهد هجوم چندین ویروس بوده‌ایم که هر کدام اهداف خاص خود را دارا بوده‌اند. در ژوئیه ۲۰۱۰ ویروس STUXNET مورد شناسایی قرار گرفت که بسیاری بر این عقیده بودند که این ویروس تاسیسات هسته‌ای نطنز را به‌عنوان هدف خرابکاری خود برگزیده بود. ویروس STARS نیز در آوریل ۲۰۱۱ در ایران شناسایی شد که هدف آن‌را تخریب زیرساخت‌های دولتی و حمله به



سیستم‌های دولت می‌دانستند؛ هم‌چنین گزارش‌های جدید حاکی از آن است که ویروس FLAME نیز به دنبال اعمال خرابکارانه در ایران می‌باشد. حال باید توجه داشت که هزینه مقابله با حملات سایبری بسیار بالاست و گفته شده ایران یک میلیارد دلار صرف تقویت زیرساخت‌های سایبری خود نموده است.

هم‌چنین می‌توان به صنایع هوایی اسرائیل اشاره کرد. پهپاد هرمس ۹۰۰ که نوع پیشرفته‌ی هرمس ۴۵۰ است را طراحی کرده و با سرعت زیاد تا مسافت ۴۵۰۰ کیلومتر توانایی پرواز دارد که مقامات اصلی صهیونیست مشخصه‌ی اصلی این هواپیما را کم کردن ریسک انجام عملیات‌های جاسوسی در عمق استراتژیک خاک ایران می‌دانند که مهم‌ترین مزیت این هواپیما برای جمع‌آوری اطلاعات از محیط داخلی ایران است. از نوع دیگر این اقدامات به کارگیری ربات‌های جاسوس معروف به پروتکتور^۱ توسط صنایع رافائل است که قابلیت رخنه در کشور و عکس‌برداری، دید شبانه و ضبط صدا را دارند که یکی از پازل‌های احتمالی نبرد جاسوسی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، استفاده از این ربات‌ها در خلیج فارس، دریای عمان و خزر می‌باشد. از دیگر خطرات متوجه ایران می‌توان از طرح‌های پنتاگون^۲ به نام «دارپا» نام برد که ممکن است این خطرات به امنیت ایران آسیبی جدی وارد نمایند (دلورپورمقدم، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۲۰). علاوه بر هزینه‌های اقتصادی، عدم موفقیت در مقابله با این بدافزارها می‌تواند اطلاعات کشور را در دست سایر کشورها قرار دهد و لطمات امنیتی جبران‌ناپذیر بر کشور وارد سازد.

۲-۲. حقوق بشر

حقوق بشر شامل آن دسته از حقوق مخصوص انسان است که فارغ از

1. Robot spy protector
2. Pentagon

خصوصیاتی مثل رنگ پوست، نژاد، قومیت و غیره برای حفظ شأن و کرامت انسان و حمایت از او مورد احترام بوده و انسان به صرف انسان بودن واجد آن است. آنچه که حائز اهمیت خواهد بود وجود چند موضوع است: ابتدا آن که روندهایی از قبیل حقوق بشر، امروزه به شدت وجه بین‌المللی به خود گرفته‌اند و با توجه به وجود سازمان‌هایی از قبیل سازمان ملل یا عفو بین‌الملل این روندها با جدیت و دقت بیشتری پیگیری خواهد شد. ثانیاً حقوق بشر در جهان امروز، شکلی سیاسی به خود گرفته؛ بدین معنا که امکان مداخله در کشورها حتی به صورت نظامی و تحت عنوان مداخلات بشردوستانه فراهم شده است. ثالثاً کشورهای ناقض این روند به لحاظ حقوقی امکان طرح ادعای مبتنی بر عدم دخالت در امور داخلی (ماده ۲ بند ۷ منشور سازمان ملل) را برای خود نمی‌توانند قائل باشند.

آمریکایی‌ها بر این اعتقادند که از جمله اولین کشورهایی می‌باشند که توانسته‌اند ضرورت‌های مربوط به حقوق بشر را در ادبیات سیاسی خود گسترش دهند. ادبیات تصمیم‌سازان آمریکایی به گونه‌ای سازماندهی شده است که بر اساس آن تعارض آمریکا و ایران در چارچوب مولفه‌هایی از جمله دموکراسی و حقوق بشر مفهوم یابد. در بین رهبران آمریکایی، کادر وزارت امور خارجه حساسیت بیشتری را نسبت به حقوق بشر و دموکراسی به نمایش گذاشته‌اند. از دیدگاه این افراد، دموکراسی (یا به عبارت صحیح‌تر لیبرال - دموکراسی) منجر به پایان تروریسم می‌شود. بنابراین برای مبارزه با تروریسم، آنان موضوعاتی از جمله دموکراسی را در دستور کار خود قرار دادند (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). در همین راستا، پارادوکس حقوق بشری آمریکا در ارتباط با رفتار سخت‌گیرانه و اقدامات تحریم و تهدید آن علیه ایران به خوبی ظاهر می‌شود. ایران چون ساختار نظم منطقه‌ای و بین‌المللی پس از جنگ سرد را نمی‌پذیرد، مورد فشار شدید آمریکا قرار می‌گیرد. اعمال تحریم‌ها و فشارهای مختلف سیاسی و اقتصادی به‌ویژه در زمینه انرژی هسته‌ای در راستای تحقق سیاست یک‌جانبه‌گرایانه و



ابزاری شعار گسترش دموکراسی، حقوق بشر و پیشبرد دموکراسی توسط آمریکا، دارای کارکرد سیاسی و نه حقوقی در منطقه خاورمیانه است (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۳۱). هم‌چنین از مسائل قابل توجه در مناسبات ایران و اتحادیه‌ی اروپا نیز مسأله حقوق بشر می‌باشد و کوشش اروپا در شروع بحث در این زمینه قابل توجه است. در مباحث حقوق بشری، هدف اتحادیه‌ی اروپا اعمال فشار بر دولت ایران برای ارتقا بخشیدن به حاکمیت قانون بوده است. بنابراین، اروپا، تهران را به همکاری با روندهای سازمان ملل در زمینه حقوق بشر وادار کرده است (Tzogopoulos, 2004, 49-50).

در رابطه با ایران دو شکل متفاوت از وضعیت حقوق بشری را شاهد هستیم: وضعیت اول: از یک طرف کشورهای غربی و در رأس آنان ایالات متحده مدعی آن هستند که ایران در سطوح مختلف ناقض حقوق بشر بوده و بارها این مسأله را از طرق گوناگون به ایران یادآور شده‌اند و از آن ابراز نگرانی کرده‌اند. در این حالت ایران در وضعیت «متهم» قرار می‌گیرد و در صورت ناسازگاری سیاسی با غرب امکان ارجاع پرونده ایران به مراجع مربوطه و حتی شورای امنیت دور از ذهن نخواهد بود و شبیه آن‌چه که در پرونده هسته‌ای شاهد آن بودیم، این بار در مسأله‌ی حقوق بشر قابلیت تکرار را خواهد داشت.

وضعیت دوم: در تمام آن‌چه که بر اثر پرونده هسته‌ای و متعاقب آن فشار بر تهران و هم‌چنین اعمال تحریم‌ها شاهد بودیم نوعی از نقض حقوق بشر به چشم می‌خورد. با نگاهی گذرا به قطعنامه‌های شورای امنیت بر علیه ایران روشن می‌شود که کشور ایران قربانی نوعی فضا سازی سیاسی - امنیتی شده و در نتیجه از بسیاری از حقوق ابتدایی خود محروم گشته است. موانع مختلفی هم‌چون مسدود شدن دارایی‌ها، بازرسی‌های شدید از کشتی‌های ایرانی، ممانعت از فروش یا کمک‌های فنی و آموزشی و که ایران را در وضعیت «شاک» قرار می‌دهد. در این وضعیت کشور ایران از حقوق اولیه خود هم‌چون حق توسعه، حق فناوری و آموزش، حق پیشرفت اقتصادی و یا حق بر تردد آزادانه منع شده



است.

۳. امنیت اقتصادی

اندیشه‌ی امنیت اقتصادی در کل بی‌اندازه مناقشه برانگیز و سیاست‌زده است. در نظام سرمایه‌داری نفس این مفهوم آکنده از تناقض و پیچیدگی است؛ از جمله اینکه در هر بازاری فرض بر این است که بازیگران احساس ناامنی می‌کنند؛ اگر چنین نباشد بازار قابلیت‌های خود را بروز نخواهد داد. اندیشه‌ی امنیت اقتصادی به‌درستی در دل مباحثات به‌شدت سیاسی و لاینحلی جای دارد که در چارچوب اقتصاد سیاسی بین‌المللی بر سر سرشت رابطه‌ی ساختار سیاسی آتارشی و ساختار اقتصادی بازار در گرفته است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

جمهوری اسلامی با هر دو دسته از تهدیدات کارگزاری و ساختاری مواجه است. از یک‌طرف تقریباً از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا علیه جمهوری اسلامی اعمال شده است. تحریم و مجازات اقتصادی ایران در چارچوب طرح موسوم به «داماتو» نمونه‌ی گویای این اقدامات می‌باشد. از طرف دیگر ساختار و نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی مبنی بر لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد نیز چالش‌های امنیتی را برای ایران ایجاد کرده است. به‌گونه‌ای که ایران در وضعیت تناقض‌نمایی قرار می‌گیرد، چرا که در صورت ادغام در اقتصاد جهانی، کشور با خطر وابستگی اقتصادی مواجه می‌شود و عدم همگرایی با آن نیز به‌مثابه محدودیت و محرومیت از منابع، سرمایه و بازار جهانی است. بنابراین برآیند محدودیت‌های اقتصادی ساختاری و کارگزاری، اقتصاد ملی ایران را با چالش و تهدیدات امنیتی در موضع‌های مختلف مواجه می‌سازد (ابوالفتحی، نوری، ۱۳۹۲: ۱۵-۱۴). در این زمینه اقتصاد کشور در افق ۱۴۰۴ کمترین وابستگی را به اقتصادهای دیگر در ضمن یک تعامل سازنده دارد. هم‌چنین رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه ایجاد مقاومت اقتصادی در زمینه فشار اقتصادی دشمن، هر چه بیشتر ما را به اتکای



به خود وا می‌دارد. یکی از این وابستگی‌های اقتصادی عدم امنیت غذایی است.

۳-۱. امنیت غذا^۱

بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را به این صورت تعریف کرد: دسترسی تمام مردم طی تمام زمان‌ها به غذای کافی و لازم برای تأمین زندگی سالم و فعال. امنیت غذایی بر دو چیز دلالت می‌کند: اول، اینکه غذا به مقدار و کیفیت کافی - در هر زمان و جای مورد نیاز - موجود، در دسترس و قابل تهیه باشد؛ دوم، اینکه ضمانتی وجود داشته باشد که این وضع استمرار یابد و انتظار آن برود. به بیان ساده، امنیت غذایی وقتی وجود دارد که غذای کافی به‌طور منظم در دسترس تمام مردم باشد (دینی ترکمانی، ۱۳۹۲: ۹۵۷-۹۵۶).

با توجه به سرمایه‌گذاری‌هایی که در طی برنامه‌های اول و دوم توسعه در بخش کشاورزی صورت گرفته بود، در طی برنامه‌ی سوم با اجرای طرح‌های افزایش تولید و ساماندهی‌های مورد نیاز و اعمال حمایت‌های فنی و اعتباری و به‌رغم وجود دو سال خشکسالی، ضرایب خودکفایی در اغلب محصولات ارتقا چشمگیری یافت و ضریب خودکفایی سال آخر برنامه برای گندم به ۹۸/۹ درصد، شکر ۸۶/۳، حبوبات ۱۱۴/۵ درصد، گوشت قرمز ۹۳ درصد، گوشت مرغ حدود ۱۰۰ درصد، شیر ۹۸/۴ درصد بالغ گردید و میزان خودکفایی برنج نیز در حد ۶۰ درصد تثبیت گردید. اما در طی برنامه چهارم توسعه، به‌عللی هم‌چون عدم استمرار اجرای برنامه‌های فنی و اعتباری و طرح‌های افزایش تولید، صدور اجازه واردات بیش از نیاز برای بعضی از اقلام، ضریب خودکفایی کاهش چشمگیری یافت. این امر در حالی اتفاق افتاد که در طی دوران برنامه چهارم، تنها در یک سال کشور دارای خشکسالی بوده است. در طی برنامه



چهارم، میزان ضریب خودکفایی گندم از ۹۸/۹ درصد به ۷۲/۷ درصد کاهش یافت، ضریب خودکفایی برنج که طی سه برنامه حدود ۶۰ درصد بود، به ۵۳ درصد تنزل یافت و ضریب خودکفایی شکر از ۸۶/۳ درصد برنامه سوم به ۶۱/۱ درصد رسید (قریب، ۱۳۹۱: ۳۵۱). وجود چنین روند نگران کننده‌ای می‌تواند غذا را به‌عنوان اهرم فشار در اختیار سایر کشورها قرار دهد. اما در دل امنیت غذا، می‌توان دو موضوع دیگر را نیز مدنظر قرار داد: ابتدا وضعیت اقتصادی مردم که نان را به‌عنوان قوت قالب مورد مصرف قرار می‌دهند و عدم استفاده از موادی هم‌چون میوه و گوشت به اندازه کافی، که این امر موجبات عدم تعادل در سلامت غذایی را در پی خواهد داشت و متعاقب آن هزینه‌هایی که صرف ابتلا به بیماری‌های مختلف می‌گردد. در ثانی آلودگی غذایی نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ عدم نگهداری مناسب از مواد غذایی و یا استفاده از کودهای شیمیایی در کشاورزی و مواد غیر بهداشتی برای تغذیه حیواناتی هم‌چون گاو و گوسفند، سلامت غذاهای مورد استفاده را رو به وخامت می‌گذارد. آلودگی محصولات کشاورزی به فلزات سنگین از جمله سرب و کادمیوم که از راه فاضلاب کارخانه‌ها، بیمارستان‌ها و غیره وارد مزارع کشاورزی شده و جذب گیاه می‌شود، به روش‌های مختلفی وارد چرخه غذایی انسان می‌شود. مطالعاتی نشان داده که این فلزات سمی در ارگان‌های بدن به‌ویژه کبد و کلیه تجمع پیدا کرده و نهایتاً نارسایی کبدی و کلیوی را به‌دنبال دارد. آفلاتوکسین‌ها که گروهی از سموم قارچی هستند نیز خطر ابتلا به سرطان‌ها را افزایش می‌دهند. تغذیه با مواد غذایی آلوده به آفلاتوکسین مانند گندم و آرد، پسته، بادام زمینی و شیر، نهایتاً بروز سرطان کبد را در انسان به‌دنبال دارد. وجود آفلاتوکسین در شیر، به‌دلیل تغذیه دام با علوفه و نان کپک‌زده و هم‌چنین در گندم به‌دلیل نگهداری و ذخیره نامناسب گندم و کپک زدن آن، در ایران به کرات گزارش شده است.



۲-۳. عدم توجه به طبقات محروم

در زمینه چالش‌های امنیتی، یک نکته قابل ذکر است و آن وجود موانع داخلی هم‌پای عوامل خارجی است که پتانسیل فشار بر دولت و مردم را دارا می‌باشد. در زمینه‌ی اقتصادی مشکلات داخلی هم‌چون: وجود فساد اقتصادی، پدیده‌ی رانت، افزایش فاصله طبقاتی، تورم و عدم بسترسازی در جهت سرمایه‌گذاری خارجی، در این طیف قرار خواهند گرفت. در اندیشه دینی و اسلامی نیز به دفعات به لزوم برقراری قسط و عدل اشاره گردیده است که می‌توان به نمونه‌هایی از قرآن کریم اشاره کرد:

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدین و الاقربین ان یکن غنیا او فقیرا فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قیام کنندگان دائمی به عدالت باشید و شهادت‌های شما برای خدا ادا شود، اگر چه به ضرر خویشتن یا پدر و مادر و خویشاوندان تمام شود، بدون تفاوت میان بی‌نیاز و نیازمند، خداوند به نیازمندی و بی‌نیازی آن دو داناتر و شایسته‌تر است. از هوی نفس پیروی نکنید تا عدالت بورزید) (سوره نسا آیه ۱۳۵).

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط (البته ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و کتاب و وسیله سنجش حق و باطل را با آنان نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند) (سوره حدید آیه ۲۵).

در این راستا امام خمینی «ره» توجه ویژه‌ای را به مساله عدالت اجتماعی معطوف نمودند و معیارهایی نیز برای آن در نظر گرفتند:

۱- از بین بردن فقر و تهیدستی؛

۲- فقدان شکاف در سطح معیشت جامعه؛

۳- ایجاد رفاه برای همه اقشار؛

۴- از بین بردن ظلم و جور؛



۵- ساده‌زیستی، نفی تشریفات و تجملات به‌ویژه در نزد مسئولین (ایران‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۲۸).

همان‌طور که پیداست امام خمینی «ره» توجه خاصی را به کاهش فقر و فاصله طبقاتی مبذول داشته‌اند. حضرت امام، انقلاب اسلامی را انقلاب محرومین و مستضعفین می‌دانستند. از آغاز نضج‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲، این محرومین و مستضعفین بودند که در صف اول انقلاب جانفشانی کردند و پیروزی انقلاب اسلامی مرهون این طبقه است. قشرهای سرمایه‌دار و مرفهین بی‌درد، نقشی در انقلاب اسلامی نداشتند. انقلاب اسلامی اصولاً از جانب مستضعفین علیه مستکبرین برپا شد و پایه‌های حکومت طاغوت را که مستظهر به پشتیبانی مستکبران جهانی بود، متزلزل کرد و طومار آن‌را درهم پیچید (آزینی، ۱۳۷۳: ۲). فشار ناشی از گسست در طبقات مختلف جامعه و متعاقب آن وجود جامعه‌ای طبقه‌ای شده، موجبات تهدید اقتصادی دولت و در نهایت ایجاد خطر نسبت به امنیت ملی را در پی خواهد داشت؛ زیرا با تقسیم جامعه به یک اقلیت مرفه و راضی و یک اکثریت فقیر ناراضی، خطر فروپاشی اجتماعی محتمل خواهد بود.

۳-۲. عدم سرمایه‌گذاری خارجی

در پی صدور چهار قطعنامه ظالمانه در شورای امنیت پس از ارجاع پرونده ایران از سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و به بهانه واهی عدم شفافیت در برنامه هسته‌ای و نیز تبلیغات پر حجم و وسیع رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی علیه ایران، کشورهای بیشتری به حمایت از تحریم‌های ایران پیوسته‌اند و اتحادیه اروپا، شرکای تجاری آسیایی ایران به‌ویژه کره و ژاپن و حتی امارات که سود کلانی از محل ترانزیت کالا به ایران دریافت می‌کرد نیز به تحریم‌های اخیر ملحق شد. علاوه بر مبادلات تجاری، این وضعیت سبب کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی و بالاتر ارزیابی شدن خطر سرمایه‌گذاری در ایران شد؛ بنابراین



از این طریق نیز اقتصاد کشور شاهد کاهش جریانات سرمایه‌ای خارجی بود (طغیانی؛ درخشان، ۱۳۹۳: ۱۲۸). مجله معتبر^۱ Unctad stat ضمن ارائه مطالب مختلف در مورد ایران به ارائه آمار در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی ایران اقدام می‌نماید. به گزارش این نشریه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران پس از یک دوره رشد، در سه سال متوالی ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ در سراسری قرار دارد و به ترتیب با ۴۶۶۲، ۳۰۵۰ و ۲۱۰۵ میلیون دلار دچار افت چشم‌گیری گردیده است (<http://unctadstat.unctad.org>).

۴. امنیت فرهنگی

بوزان و همکارانش «ویور» و «ویلد» معتقدند بسان تهدیدات ملی، تهدیدات جامعه‌ای هم مکانیسم خود را دارند و تدابیر ملی لزوماً برای حل نابسامانی‌های جامعه‌ای، کارگر نیستند. از دید آن‌ها، هر جامعه‌ای، بسته به بافتار هویتی خویش، آسیب‌پذیری‌های داخلی و تهدیدات خارجی ویژه خود را دارد. اگر هویت جامعه‌ای بر جدا بودن یا تنها بودن پایه گرفته باشد، حتی اضافه شدن جمعیت بسیار کوچکی از بیگانگان را هم مشکل (امنیتی) خواهد انگاشت (نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

ایران توسعه یافته در افق ۱۴۰۴ کشوری با مولفه‌های فرهنگی خاص هم‌چون «هویت اسلامی و انقلابی»، «الهام‌بخش در جهان اسلام»، «متعهد به انقلاب و نظام اسلامی»، «با تأکید بر مردم‌سالاری دینی» و غیره است. در این رابطه باید افزود استعاره «مهندسی فرهنگی» که در سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری خطاب به مسئولین نظام به کرات به کار رفته، بیانگر نقش راهبردی فرهنگ در تحقق سند چشم‌انداز است. از یک سو سند چشم‌انداز درون خود با



معیارهای ارزشی هم چون انضباط، مسئولیت‌پذیری، تعاون، ایثارگری و غیره بیانگر تحول فرهنگی جامعه ایران در افق ۱۴۰۴ است و از سوی دیگر هرگونه حرکت عملیاتی در راستای تحقق سند چشم‌انداز با تحولات و نابسامانی‌های فرهنگی-اجتماعی خاصی همراه است که بی‌توجهی به این تغییر و تحولات، دستاوردی جز استحاله‌ی فرهنگی برای نظام نخواهد داشت (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۳). در این میان رسانه‌ها توانایی تأثیر بر امنیت ملی ایران را از رهگذر مسائلی هم فرهنگی و هم سیاسی دارا می‌باشند؛ بدین معنا که نقشی چندگانه را در قبال امنیت ملی بازی می‌کنند. در زیر به نقش رسانه در قبال امنیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

۱-۴. رسانه^۱

در عصر جهانی‌شدن و با توجه به اصل فشردگی در زمان و مکان، تمامی کشورها تحت امواج رسانه‌ای قرار خواهند گرفت؛ جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. این تأثیرپذیری می‌تواند در سطوح گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را نشان دهد. سیاست خود یکی از عوامل تغییر و یا تقویت‌کننده و حافظ فرهنگ می‌باشد، بنابراین رسانه‌ها پیامدهایی را از قبیل فرصت‌ها و تهدیدها دارا می‌باشند، که از تهدیدات آن می‌توان مواردی چون: تهدید هویت‌ها (به‌خصوص هویت ملی که مدنظر امپریالیسم فرهنگی غرب است)، گسترش فرهنگ و ارزش‌های بیگانه، گسترش فساد و رفاه‌زدگی نام برد (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۹-۱۱).

آشکار است که در این عرصه، فرهنگ اسلامی در کشورهای اسلامی با توجه به تفاوت عمیقی که با فرهنگ بیگانه (غربی) دارند در کانون توجه بیگانگان و در



معرض بیشترین تهدیدها قرار گیرد. برای مثال با استناد به آمار اعلام شده، ایران از لحاظ شمار کاربران اینترنتی رتبه اول را در خاورمیانه دارد و دوونیم میلیون کاربر به صورت دائم و ۳/۵ میلیون به صورت غیر دائم از اینترنت استفاده می کنند؛ اکثر کاربران نیز از نسل جوان می باشند. همین عامل راه را باز می کند تا مخالفان راحت تر بتوانند طعمه‌ی خود را از میان افراد ایرانی انتخاب کنند؛ چرا که فضای رسانه‌ای فضایی محدود به افکار مخاطب است که به دلیل ناشناس بودن فرستنده و گیرنده‌ی پیام امکان سوءاستفاده‌ی طرفین وجود دارد. بر همین اساس است که دشمنان نظام جمهوری اسلامی بالاخص آمریکا از طریق رسانه‌ها و تبلیغات کاذب، رواج برخی تناقضات فرهنگی، از جمله استفاده‌ی هرچه بیشتر از کالاهای لوکس و تجملی را در جامعه‌ی ایران می‌پروانند.

می‌توان در این خصوص استفاده از این امکانات را برای عملیات روانی در خصوص مساله‌ی هسته‌ای نام برد که برای مثال مدیر اطلاعات مرکزی آمریکا در گزارشی در سال ۲۰۰۸ به کنگره مدعی شد که ایران یکی از بیشترین ذخایر موشک‌های بالستیک^۱ در خاورمیانه را دارد و هم‌چنین بهره‌گیری از این فضا برای تبلیغات کاذب در جهت اعمال تحریم‌های بیشتر از سوی مردم آمریکا می‌باشد که در راستای نشان دادن خواست‌های گسترده و جهانی وضع تحریم است، هم‌چنین می‌توان از بخش عملیاتی لپ^۲ برای افزایش ایران‌هراسی توسط آمریکا و اسرائیل را نام برد (دلاورپور مقدم، ۱۳۸۹: ۸۱-۸۲).

مثال دیگر، حوادث ۱۳۸۸ و فعالیت‌های شبکه صدای آمریکا "VOA" را می‌توان بیان کرد که از آغاز هدف نهایی راه‌اندازی تلویزیون صدای آمریکا؛ تفکیک مردم از حاکمیت، شورانیدن مردم علیه نظام اسلامی و در نهایت

1. Ballistic Missile
2. Lohamah psychologist Department

براندازی نرم است. هم‌چنین می‌توان شبکه‌ی ام.بی.سی را بیان کرد، که با هدف گسترش ابتدال در ایران برای مخاطبان ایرانی صورت گرفته است (دمیرچی، ۱۳۹۳: ۴۳۶-۴۳۰). این قبیل شبکه‌ها هم‌چون بی.بی.سی، صدای آمریکا و العربیه آتش منازعات را در حوادث ۱۳۸۸ دامن می‌زدند؛ به‌عنوان مثال رسانه‌های رژیم سلطنتی انگلیس در جریان انتخابات ریاست جمهوری دهم در سال ۱۳۸۸ صفحه‌ی ویژه‌ای به این انتخابات اختصاص داده بودند و نه تنها به پوشش گسترده‌ی شبهه پراکنی‌های جریان اصلاحات پرداخت بلکه خود نیز به تولید گزارش‌ها و تحلیل‌هایی در این زمینه دست زد و یا شبکه‌ی بی.بی.سی به دنبال این است که با تکنیک‌های نوین رسانه‌ای در پوشش برنامه‌های تحلیلی با مشی اجتماعی، مخاطبانی برای خود پیدا کند تا اهداف بلندمدت خود را در جامعه‌ی ایران پیش ببرند. شبکه بی.بی.سی در حوادث ۱۳۸۸ با ارائه‌ی اخبارهای متفاوت از طریق اخبار و تصویرسازی این جریان‌ها به دنبال توانمندسازی گروه‌های مخالف بود (دمیرچی، ۱۳۹۳: ۴۷۱-۴۴۹).

۵. امنیت زیست محیطی^۲

تا زمان اوج‌گیری ملاحظات اقتصادی و زیست محیطی در دهه‌ی ۱۹۷۰، مفهوم امنیت تنها در چارچوب منافع سیاسی نقش‌آفرینان خاص مورد توجه قرار می‌گرفت و درست تا آخر دهه‌ی ۱۹۸۰ بحث‌های مزبور هنوز تا حد زیادی روی مسائل نظامی متمرکز بود (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶).

در جمهوری اسلامی ایران، تمهیداتی برای جلوگیری از تخریب و صیانت از محیط زیست در نظر گرفته شده است که توجه و عملی‌سازی آن‌ها می‌تواند اولویت‌ها و اهداف سند چشم‌انداز را محقق می‌سازد. این تمهیدات در دو سطح



1. Image Making

2. Environmental Security

قابل بررسی است: اول، سیاست‌های قانونی: در سطح داخلی، قبل و بعد از انقلاب اسلامی به این مهم توجه شده است؛ به گونه‌ای که اصل پنجاهام قانون اساسی به‌طور صریح و قاطع، هرگونه فعالیت اقتصادی و غیره را که منجر به تخریب محیط زیست گردد، ممنوع کرده است. در سطح خارجی، ایران تعهدات بین‌المللی در راستای تخریب یا صیانت از محیط زیست را امضا کرده است (کنوانسیون ۱۹۶۳ و قطعنامه استراسبورگ ۱۹۹۷) که بر طبق قانون مدنی لازم‌الاجراست و جزو قوانین ایران به حساب می‌آید. دوم، سیاست‌های فرهنگی: ایران اسلامی از زیرساخت‌های عمیق فرهنگی زیست محیطی برخوردار است. فرهنگ زیست محیطی اسلام، رابطه انسان با محیط طبیعت را بر اساس آیه شریفه (هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها) تعریف کرده است. در تعالیم دینی، احیای محیط زیست در ردیف کارهای عام‌المنفعه قرار دارد و بر این نکته تاکید شده است که اگر انسان درختی را بکارد، تا زمانی که آن پا برجاست همواره در کارنامه اعمال آن شخص پاداش لحاظ می‌گردد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۵).

۱-۵. بحران کم آبی^۱

شورای امنیت سازمان ملل اعتراف کرده که سرچشمه‌های غیر نظامی بی‌ثباتی، از جمله عوامل زیست محیطی تهدیدی برای صلح و امنیت شده است (Sands, 1993, 50). بسیاری معتقدند در کنار تشدید درگیری‌های ایدئولوژیک و ترغیب رادیکالیسم سیاسی، تقاضاهای روزافزون در برابر عرضه‌ی محدود آب هم‌چون آتش زیر خاکستر منبع بالقوه نبردهای آینده است. دکتر پطروس غالی وزیر خارجه اسبق مصر و دبیرکل سابق سازمان ملل متحد گفته است: جنگ



آینده در منطقه خاورمیانه بر سر آب خواهد بود. حال در این جا همین منابع آبی که یک کالای اقتصادی محسوب می‌شود با رشد درخواست برای آن و کمیابی آن به یک «کالای امنیتی»^۱ تبدیل می‌گردد که زمینه شکل‌گیری و تشدید تنگنای امنیتی را به دنبال خود خواهد داشت. آمار سازمان‌های بین‌المللی از جمله شورای جهانی آب، یونسکو و سازمان ملل درباره منابع آب قابل شرب در مقیاس جهانی بسیار هشدار دهنده است. از دیدگاه شورای جهانی آب، تا سال ۲۰۵۰ اغلب کشورهای جهان دچار بحران آب می‌شوند. رشد تقاضای جهانی برای آب شرب تا سال ۲۰۲۰ به ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت و تغییرات جوی و گرم شدن زمین حتی کشورهای دارای منابع آب فراوان را نیز نگران کرده است (Rose grant & other, 2002, 8).

به‌طور کلی در ارتباط با بحران آب در منطقه آسیای جنوب غربی، چهار طرف اصلی وجود دارد که عبارتند از: ۱- طرف ایرانی؛ ۲- طرف عربی؛ ۳- طرف ترک و ۴- طرف اسرائیلی (صادقی، ۱۳۷۶: ۲۰۴). که برای حل بحران آب در سطح منطقه‌ای نیازمند همکاری همه‌جانبه این طرفین است. هر چند مفسرین بسیاری در نوشته‌های خود معتقدند که همکاری در منطقه خاورمیانه امکان‌پذیر نیست که از جمله آنان می‌توان به مقاله‌ای از «آناس ضیادین» اشاره کرد. وی معتقد است که در سایه بی‌ثباتی سیاسی در منطقه، برخورد ایدئولوژی‌ها و عواقب آن و مسائل مربوط به امنیت ملی و حاکمیت، همکاری‌های منطقه‌ای در مورد مسأله‌ی آب در حد یک فرضیه باقی می‌ماند (Zyadin, 2013, 49).

آب همواره یکی از دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های ساکنان فلات ایران بوده است. افزایش جمعیت و تحول در الگوی مصرف آب باعث می‌شود که در تداوم بحران‌های گذشته، میان سکونت‌گاه‌ها رقابت بر سر تصرف منابع آب‌های

سطحی و عمقی افزایش یابد و کشمکش و درگیری بین جوامع توسعه یابد که این مسئله دارای تبعات سیاسی و امنیتی برای کشور است (مختاری هشی، ۱۳۸۷: ۱۴۱). عامل اصلی توسعه ناهماهنگ در ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه، اشتیاق بیش از حد برای رشد و توسعه بی‌وقفه بوده است که مانع از یک درک جامع از روابط پویا و پیچیده و بازخوردی بین بخش‌های مختلف مدیریت شده است. یک چنین شرایطی در کشورهای توسعه یافته در مراحل اوج توسعه مشاهده شده است، اما این کشورها توانستند با اقدامات به‌موقع مکانیسم‌های مؤثری طراحی کنند تا بتوانند با بسیاری از مسائل آبی و زیست - محیطی در پس رشد و توسعه سریع مقابله و از وقوع آن‌ها جلوگیری کنند (Madani, 2014, 6-7).

تنش‌های مربوط به آب زمانی می‌توانند ایجاد شوند که جامعه دچار کمبود آب باشد؛ اما حتی هنگامی که منابع شدیداً هم محدود نباشد تخصیص و سهمیه‌بندی آب و استفاده از آن می‌تواند منجر به جدال و رقابت شود. تنوع استفاده‌ها و استفاده کنندگان نظیر کشاورزی، صنعت، طایفه‌ها و گروه‌های قومی مختلف و استفاده کنندگان شهری و روستایی، احتمال جدال و رقابت بین ذی‌نفعان آب در یک حوضه را افزایش می‌دهد (مختاری هشی؛ قادری حاجت، ۱۳۸۷: ۴۴). از طرف دیگر، بحث مدیریت آب شرب و عدم توزیع عادلانه آن در بین شهرهای استان خوزستان، موضوعی است که منجر به واکنش مردم می‌گردد. مردم این استان در حالی که خودشان آب شرب را با گالن‌های ۲۰ لیتری خریداری می‌کنند و حتی گفته می‌شود آب لوله‌کشی برای استحمام نیز نامناسب است، نمی‌توانند ببینند که آب‌های این استان به نقاط دیگر کشور منتقل می‌شود. در شهریورماه ۱۳۹۰ نیز تمامی نمایندگان مجلس استان خوزستان در اعتراض به انتقال آب‌های استان تهدید به استعفا کردند (مختاری هشی، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۴). در زمستان ۱۳۹۱ کشاورزان مناطق شرقی شهر اصفهان در اقدامی جمعی، تراکتورهای خود را در حاشیه یکی از جاده‌های منتهی به شهر در مسیر



زاینده رود در یک صف طولانی قرار دادند. خشکی زاینده رود، به دنبال بحران آب در حوضه این رودخانه، سبب شده بود تا آن‌ها چند سالی با مشکلات متعددی در کشاورزی مواجه شوند و در مواردی حتی امکان کشت نیز به‌طورکلی از آن‌ها سلب شده بود. پیام آن‌ها به مسئولان استانی این بود که اگر به وضعیت آن‌ها رسیدگی نشود، با تراکتورهایشان وارد شهر می‌شوند و به این شکل صدای اعتراضشان را به گوش همه می‌رسانند. اگرچه این تهدید عملی نشد، اما مدتی بعد بروز برخی ناآرامی‌های اجتماعی در منطقه و آسیب رساندن به تأسیسات انتقال آب به یزد، مسئله‌ی اعتراض کشاورزان به نداشتن تأمین حقا به راه به مشکلی امنیتی بدل کرد که پیامدهای ناگوار آن تا به امروز نیز ادامه دارد (نصرافهانی، ۱۳۹۴: ۲۱۴). هم‌چنین می‌توان به اعتراضاتی که در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه در اثر ایجاد بی‌رویه سد بر روی رودخانه‌های وارده به این دریاچه صورت گرفت، اشاره کرد (مختاری‌هشی، ۱۳۹۲: ۷۵). البته هر دولت و ملتی در سطح داخلی موظف به رعایت مواردی برای مدیریت بحران آب هستند:

- ۱- تغییر در فرهنگ عمومی: (هم‌چون توجه به دستورات قرآن در کشورهای مسلمان)؛
- ۲- استفاده از روش‌های نوین آبیاری در کشاورزی؛
- ۳- استفاده از سدهای زیرزمینی برای جلوگیری از هدر رفتن آب‌های کشاورزی و زیرزمینی؛
- ۴- کاهش مصارف خانگی؛
- ۵- تفکیک میان آب‌های آشامیدنی و آب برای سایر مصارف غیر خانگی؛
- ۶- ارزیابی و پیش‌بینی وقوع خشکسالی با استفاده از داده‌های آماری و ماهواره‌ای؛
- ۷- بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های منابع آب؛
- ۸- مدیریت شفاف منابع آب با تمرکز بر روی درخواست مصرف‌کنندگان؛



۹- نمک‌زدایی و استفاده از آب شیرین‌کن،

۱۰- استفاده مجدد از آب‌های تصفیه شده (رستمی؛ نادری، ۱۳۹۴: ۱۸۸-۱۸۷).

۵-۲. گرد و غبار

گرد و غبار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال آلودگی‌های جوی از ابعاد مختلف مورد توجه محققان گرفته شده است. پدیده‌ی گرد و غبار رویدادی طبیعی است و در بخش‌هایی از جهان که دارای مناطق خشک و بیابانی وسیع هستند ایجاد می‌شود (فراست و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴). این پدیده باعث وارد شدن خسارات شدید به تولیدات کشاورزی و سلامت انسانی و همچنین محیط زیست طبیعی شده است (حسینی، ۱۳۹۱: ۴). با توجه به اینکه کشور ایران و همسایه‌های غربی آن در کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار گرفته‌اند و بیش از دوسوم مساحت ایران در اقلیم خشک و نیمه خشک قرار دارد و از طرف دیگر میانگین بارش سالانه در کشور نصف میانگین بارش سالانه در جهان است، کشور ایران در معرض وقوع پدیده گرد و غبار، هم در مقیاس محلی و هم در مقیاس منطقه‌ای و جهانی قرار دارد (بوچانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

برخی نظریه‌پردازان اظهار می‌کنند که تخریب زیست محیطی ممکن است تعداد وسیعی از پناهندگان زیست محیطی را به وجود آورد. عبارت (پناهندگان زیست محیطی) تا حدودی گمراه کننده است، با این حال، اشاره می‌کند که گسیختگی زیست محیطی به‌طور واضح می‌تواند، دلیلی از جریانات پناهندگی باشد. به‌طور معمول، اگر چه، یکی از متغییرات فیزیکی و اجتماعی گسیختگی زیست محیطی را، افول اقتصادی و کشاورزی شامل می‌شود، که نهایتاً افراد را مجبور به ترک سرزمینشان می‌کند (Homer & Dixon, 1991, 97). یکی دیگر از ابعاد تأثیرات اجتماعی، برهم خوردن روابط اجتماعی و ناکارآمدی نهادهای موجود است. در بسیاری از جوامع در حال توسعه، سه تأثیر اجتماعی توصیف شده در بالا، احتمالاً برای گسستن این اساس سنتی و عادت رفتاری است. افت در بازده کشاورزی ممکن است جوامع روستایی را با به وجود آوردن



سوء تغذیه و بیماری تضعیف کرده و با تشویق کردن افراد به ترک محل، افول اقتصادی نیز پس از آن می‌تواند اعتماد به هدف ملی را از بین ببرد (Homer & Dixon, 1991, 97-98).

نتیجه‌گیری

دولت و دستگاه‌های مربوطه وظیفه دارند بیش از پیش به روندهای نوین امنیتی توجه کنند تا از میزان صدمات در آینده کاسته شود. آن‌چه که در این پژوهش مورد بحث واقع شد، وجود وضعیت‌هایی است که هر کدام به تنهایی، توانایی امنیتی شدن و در نتیجه تحمیل هزینه بر جمهوری اسلامی ایران را دارا می‌باشند. شاکله‌ی امنیت در جمهوری اسلامی ایران به چند دلیل پیچیده‌تر از سایر کشورها می‌باشد:

اول: قرار گرفتن در منطقه‌ی حساس خاورمیانه به لحاظ بحران‌های دینی موجود در آن؛

دوم: تلاش در جهت تثبیت موقعیت خود به عنوان هژمون منطقه‌ای در چالش با عربستان؛

سوم: نزدیکی جغرافیایی با اسرائیل و تخاصم چند دهه‌ای مابین این دو؛
چهارم: وجود هویت‌های قومی مختلف؛

پنجم: ضعف اقتصادی به دلیل فشارهای خارجی و ناکارآمدی داخلی مدیریت اقتصادی.

در بخش نظامی مهار گروهک‌های تروریستی، هم‌چون داعش یا القاعده، نقش ایران را در منطقه برجسته‌تر از پیش می‌سازد. در امنیت سیاسی با سرمایه‌گذاری‌های انجام شده امید آن می‌رود که بتوان میزان خسارات به تاسیسات مختلف را پایین آورد. هم‌چنین حقوق بشر را نباید به عنوان اهرم در اختیار کشورهای غربی قرار داد تا روند پرونده‌سازی (هم‌چون مساله‌ی اتمی) بار دیگر تکرار شود. در فاز اقتصادی، با توجه به برنامه‌ی توسعه در افق ۱۴۰۴، امنیت



غذا باید به صورت کامل تأمین شود تا موجبات هراس عمومی فراهم نگردد؛ هم‌چنین توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری در اجرای اقتصاد مقاومتی راه نجات‌بخش در جهت عبور از وضعیت موجود تلقی می‌گردد و در زمینه‌ی فرهنگی ما نیازمند کار در چند سطح گوناگون هستیم.

مواردی هم‌چون: پخش برنامه‌های مناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی، هدفمندی برنامه‌های نسل جوان در راستای رفع نیازهای این قشر، ساخت فیلم و موسیقی‌های مناسب قشر جوان در جهت جلوگیری از گرایش به شبکه‌های مصرفی و تجملاتی بیگانه و هم‌چنین پرداختن به مسائل علمی و اخبار روز که مخاطبان خاص خود را دارد، تا سطح گرایش به شبکه‌های بیگانه را پایین آوریم و هم‌چنین در برابر امواج سیاسی رسانه‌های غربی به ایفای نقش بپردازیم. در وجه زیست محیطی نیز دو تهدید داریم: بحران کم‌آبی به شدت امنیت کشور را متأثر ساخته است، تا جایی که بحث واردات آب از چین یا تاجیکستان مطرح می‌گردد و همین امر زمینه امنیتی شدن آب را در پی خواهد داشت. هم‌چنین پدیده ریزگردها که مهاجرت و بیکاری و در نهایت فشار بر دولت را در پی دارد؛ از دیگر تهدیدات امنیت ملی محسوب می‌گردد که همکاری با کشورهای منطقه از الزامات ممکن در جهت رفع این معضل قلمداد می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- ابراهیمی، نبی الله. (۱۳۸۶). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۸۲ صص ۴۵۸-۴۳۹.
- ابوالفتحی، محمد؛ نوری، مختار. (۱۳۹۲). «تحولات انقلابی در خاورمیانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره سوم، صص ۲۷-۹.
- آذینی، محسن. (۱۳۷۳). «اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی»، فصلنامه حضور، شماره نهم، صص ۶۱-۵۲.
- افتخاری، اصغر و دیگران. (۱۳۹۰). «بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴: رویکردی چندجانبه»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره شصت، صص ۸۰-۵۳.
- ایران‌نژاد، ابراهیم و دیگران. (۱۳۹۱). «عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۳۵-۱۱۵.
- ایزدی، فواد. (۱۳۹۰). «منع‌شناسی تروریسم و صلح، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.
- بوچانی، محمدحسین و دیگران. (۱۳۹۰). «چالش‌های زیست محیطی و پیامدهای ناشی از آن؛ ریزگردها و پیامدهای آن در غرب کشور ایران»، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره سوم.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و دیگران. (۱۳۸۶). «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۱). «مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی، جلد اول، رهیافت‌ها و راهبردها، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- تریف، تری و دیگران. (۱۳۸۱). «رویکرد زیست محیطی؛ مراحل بنیادین اندیشه

در مطالعات امنیت ملی، گردآوری و تدوین اصغر افتخاری، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۰). «تروریسم از دیدگاه اسلام»، فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال بیستم، شماره ششم، صص ۲۵-۴۸.
- حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۱). «بررسی حقوق ریزگردها از منظر آلودگی‌های فرامرزی با نگاهی گذرا به وضعیت ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی محیط زیست، شماره ۵۲.
- حسینی، مریم. (۱۳۷۹). «تروریسم اینترنتی»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های ارتباطی، سال هفتم، شماره‌ی بیست‌ودوم، صص ۸۹-۶۳.
- دلاورپور مقدم، مصطفی. (۱۳۸۹). امنیت نرم و منافع ملی جمهوری اسلامی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دمیرچی، جعفر. (۱۳۹۳). «راهبرد و راهکارهای جنگ نرم»، قابل دسترس در www.ourpresident.ir بازپایب شده در ۲۵ آبان ۱۳۹۴.
- دینی‌ترکمانی، علی. (۱۳۹۲). «برآورد امنیت غذا در ایران و ارزیابی از نحوه مواجهه رویکردهای نظری رقیب ناامنی غذایی»، اولین همایش کشاورزی و توسعه ملی، صص ۹۸۲-۹۵۳.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۷). مطالعات امنیت ملی (مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ چهارم، تهران: وزارت امور خارجه.
- رستمی، فرزاده؛ نادری، مسعود. (۱۳۹۴). «بحران کم‌آبی و گسست در امنیت ملی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره پانزدهم، صص ۱۹۱-۱۶۱.
- روشندل، جلیل. (۱۳۹۲). امنیت ملی و نظام بین‌المللی، چاپ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- سیمبر، رضا. (۱۳۸۹). «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۳۸-۱۰۷.



- صادقی، سیدشمس الدین. (۱۳۷۶). «هیدروپلیتیک و بحران آب: چالش‌های آینده در خاورمیانه و خلیج فارس»، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱۵ و ۱۱۶، صص ۲۰۷-۲۰۰.
- صالحی‌امیری، سیدرضا؛ حسین‌زادگان، زهره. (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن فرهنگی و تأثیرات آن بر فرهنگ ایرانی»، پژوهشنامه‌ی پاییز، سال نوزدهم، شماره پنجاه-وهفتم، صص ۴۶-۹.
- طغیانی، مهدی؛ درخشان، مرتضی. (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن»، راهبرد، دوره ۲۳، شماره ۷۳، صص ۱۴۶-۱۱۵.
- عبدالله‌خانی، علی. (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- فراست، نسرین و دیگران. (۱۳۹۰). «بررسی اثرات منفی پدیده گرد و غبار بر اکوسیستم انسانی»، اولین کنگره بین‌المللی پدیده گرد و غبار و مقابله با آثار زیانبار آن، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان.
- قریب، حسین. (۱۳۹۱). «چشم‌انداز امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ویکم، شماره شصت‌وپنجم، صص ۳۶۹-۳۴۵.
- محمدی، منوچهر. (۱۳۸۹). آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.
- مختاری‌هشی، حسین. (۱۳۹۲). «هیدروپلیتیک ایران، جغرافیای بحران آب در افق سال ۱۴۰۴»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره سوم، صص ۴۹-۸۳.
- مختاری‌هشی، حسین؛ قادری حاجت، مصطفی. (۱۳۸۷). «هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵ مطالعه موردی: حوضه‌های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره اول، صص ۷۴-۳۶.
- نصرافهانی، محمد. (۱۳۹۴). تراکتورها به شهر می‌آیند، ویژه‌نامه اقتصادی روزنامه شرق، صص ۲۱۵-۲۱۴.
- نصری، قدیر. (۱۳۸۳). «بافتار منطقه‌ای امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی،



سال پنجم، شماره بیست و چهارم، صص ۶۸-۳۷.

- ویلیامز، مایکل چارلز. (۱۳۹۰). فرهنگ و امنیت، ترجمه روح‌الله طالبی آرانی و مرتضی نورمحمدی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یزدانی، عنایت‌اله؛ خدابنده، محمد. (۱۳۹۰). «امنیت در عصر پسامدرن: بررسی تحولات»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۵، ۲۰۰-۱۶۳.
- Bigo, Didier. (2002). *Security and Immigration: Toward a Critique of the Governmentality of Unease*, *Alternatives*, 27 (Special Issue).
- Gordon, Sarah & Ford, Richard. (2003). "Cyber Terrorism", *Sen Symantec Security Response*.
- Homer-Dixon, T. (1991). *On the Threshold: Environmental Changes as Causes of Acute Conflict*, *International Security*, Vol., 16 No. 2, pp. 76- 116
- Lewis, James. (2002). "assessing the risks of cyber terrorism, cyber war and other cyber hearts", center for strategic and international studies.
- Madani, Kaveh. (2014). Water management in Iran: what is causing the looming crisis? *Journal of Environmental Studies and Sciences*, vol. 4, Issue 4, pp. 315-328.
- Moller, Bjorn. (2000). *The Concept of Security: The Pros and Cons of Expansion and Contradiction*, *Copenhagen Peace Research*, August 2000, Accessible in: <http://www.Ciaonet/wps/moboi/index.html>
- Prichard, Jant & E. Macdonald, Laurie. (2004). "cyber terrorism: a study of the extent of coverage in computer security", *text books journal of international technology education*, vol. 3.
- Rose grant, Mark w& other. (2002). World water and food to 2025 ,*international food policy research institute (IFPRI)*, Available at: <http://www.ifpri.org/sites/default/files/publications/water2025.pdf>.
- Sands, Philippe (Ed.). (1993). Eforcing Environmental Security , in Sands (ed.), *Greening International Law*: 50-64.
- Temanotat. (2013). *IRAN: PJAK - party for ET frit liv I Kurdistan* , LANDINFO-6, JUNI.
- Tzogopoulos, George. (2004). The Evolution of US and EU Foreign Policy towards Iran with Emphasis on the Period after 11 September 2001 , May, at: <http://www.iehei.Org/bibliotheque/TZOGPOULO S.pdf>.
- Unctad stat (United Nations conference on trade and development) <http://unctadstat.unctad.org>.
- Wilkinson, Paul. (1978). Terrorism and Liberal State, snd". ed,(London Macmillan), *British Journal of Law and Society*,



Vol. 5, No. 1 (Summer,), pp. 143-145.

- Zyadin, Ana's. (2013). Water Shortage in MENA Region: An Interdisciplinary Overview and a Suite of Practical Solutions , *Journal of Water Resource and Protection*, PP 49-58.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی